

بررسی ادله فمینیسم رادیکال بر جواز سقط جنین در راستای تحقق آزادی جنسی به عنوان امر اخلاقی

زینب کبیری^۱
نرجس رودگر^۲

چکیده

برخی از فمینیست‌های رادیکال نظیر آن اوکلی، کیت میل، سیمون دوبوار و مری دیلی معتقدند از منظر اخلاقی، زنان همانند مردان حق دارند از آزادی در همه عرصه‌ها برخوردار باشند. یکی از این عرصه‌ها، آزادی در روابط جنسی است. به ادعای چنین فمینیست‌هایی، مردان در برقراری روابط جنسی کاملاً آزاد هستند؛ از این رو برای رفع تبعیض میان زنان و مردان، زنان نیز باید بتوانند همانند مردان، در روابط جنسی، محدود به خانواده و ازدواج نبوده و از روابط آزاد، به هر شکل که می‌پسندند، برخوردار باشند. آنان معتقدند زنان حق دارند از پیامدهای احتمالی و ناخواسته (بارداری) در چنین روابطی، به وسیله سقط جنین رهایی یابند. این دسته از فمینیست‌های رادیکال برای اثبات اخلاقی بودن سقط جنین، به دلایل دیگری همچون حق خلوت و حق حفظ حریم خصوصی برای زنان متوسل شدند. از دیدگاه آنان، زنان حق دارند به وسیله سقط جنین، حریم خصوصی و فردی خود را مخفی نگه دارند تا مورد قضاوت دیگران قرار نگیرند. در این مقاله، به شیوه توصیفی-تحلیلی، ادله فمینیست‌های رادیکال درباره آزادی سقط جنین و در راستای تحقق آزادی جنسی به عنوان یک امر اخلاقی، بررسی و نقد می‌شود. مهم‌ترین محورهای نقد بر این استدلال شامل ناسازگاری آزادی جنسی با امر اخلاقی، تبیین ناسازگاری حق سقط جنین با مبانی اخلاقی اسلام و رد ادعای جواز سقط جنین به دلیل حفظ حریم خصوصی زنان است.

واژگان کلیدی: سقط جنین، آزادی جنسی، فمینیسم رادیکال، حق خلوت، حق انتخاب.

۱. دکترای مدرسی معارف، گرایش اخلاق اسلامی دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام، استاد دانشگاه فرهنگیان، پردیس حضرت معصومه علیها السلام و جامعه المصطفی علیه السلام، قم، ایران، zekabiry@gmail.com

۲. استادیار گروه فلسفه اسلامی جامعه المصطفی العالمیه علیه السلام، مدیر گروه پژوهشی فلسفه و جنسیت پژوهشکده مطالعات زن و خانواده دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)، n.roodgar@gmail.com و narjes-rodgar@niv.ac.ir

https://orcid.org/0000-0002-2226-8249

مقدمه

فمینیسم^۱ در اصل از ریشه لاتینی Femina به معنی زن آسا، زنانه، مادینه و مونث اخذ شده است. (Oxford Advanced Learner's Dictionary of current English, 2003, P.466) که گاه به اعتقاد و ایده‌های اطلاق می‌شود که درصدد بیان حقوق یکسان میان زنان و مردان یا نهضت طرفداری از حقوق زنان است. (بیات و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۴۲۳)

فمینیسم در اصطلاح، مجموعه‌ای از ایدئولوژی‌ها، تفکرات، جهت‌گیری‌ها و استراتژی‌های خاص است که در پی توسعه جنبش‌های زنان و به منظور احقاق حقوق آنان شکل گرفته است.^۲ گاه فمینیسم، نهضتی اجتماعی شمرده می‌شود که هدف از آن احراز پایگاهی مساوی با مردان در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی برای زنان است (حسینی‌زاده، ۱۳۹۳، ص ۱۳). در واقع فمینیسم، در پی رفع کردن فرودستی، ستم‌ها، نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌هایی است که زنان به خاطر جنسشان از آن رنج می‌برند (بیسلی، ۱۳۸۵، ص ۵۶). گرایش‌های مختلف فمینیستی، تحلیل‌های متنوعی از عوامل سرکوب و ستم بر زنان ارائه می‌دهند (هام و گمبل، ۱۳۸۲، ص ۱۶۳). فمینیست‌ها با هدف رهایی زنان از ستم مردان، شعار آزادی و رهایی زنان از مردسالاری را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده‌اند. آنان سه حوزه برای آزادی قائلند: آزادی سیاسی، آزادی اقتصادی و آزادی جنسی؛ اما درباره اینکه کدام یک از این سه حوزه مهمتر است، با یکدیگر اختلاف نظر دارند. (همان)

فمینیست‌های رادیکال موج دوم، آزادی جنسی را یکی از مهم‌ترین حوزه‌های آزادی دانسته و برای اخلاقی جلوه‌دادن آن و فرار از پیامدهای ناگواری همچون سقط جنین، فروپاشی نظام خانواده و... متوسل به استدلال‌های گوناگون شدند. این گروه از فمینیست‌ها مدعی شدند سقط جنین بخشی از یک مبارزه تاریخی است که در نظر دارد به بازتعریف معنای مادری، خانواده و احساس جنسی بپردازد و صرف مطالبه حقوق مربوط به تولید مثل نمی‌تواند به قدر کافی، پاسخگوی این معانی اجتماعی باشد. به همین دلیل، مسئله

1. feminism.

۲. تعاریف متعددی برای فمینیسم بیان شده است که به نظر می‌رسد تعریف ذکرشده، کامل‌تر باشد. (رک: زیبایی‌نژاد، ۱۳۸۲، ص ۱۴؛ ساروخانی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۸۱؛ مشیرزاده، ۱۳۸۱، ص ۴۴۳ و مهریزی، ۱۳۷۸، ص ۱۱۹)

سقط جنین در سیاست‌ها و نظریات فمینیستی جایگاهی مهم و محوری دارد. به عبارت دیگر، فمینیست‌های رادیکال معتقدند مخالفت با سقط جنین به منزله «ضد زن بودن» و «محدود کردن زن» است. در واقع آنان معتقدند صرف برخورداری از حقوق قانونی و آزادی‌های مدنی، امکان عملی سقط جنین را به زنان نمی‌دهد. (هام و گمبل، ۱۳۸۲، ص ۲۲-۲۳)

۱. پیشینه

برخی نویسندگان حوزه اخلاق کوشیده‌اند به مباحث مرتبط با سقط جنین پرداخته و نظرات مطرح شده در این خصوص را نقد کنند. به عنوان مثال:

- کتاب «سقط جنین»، نوشته جمعی از نویسندگان از انتشارات سمت، مجموعه مقالات سمینار میان رشته‌ای در عرصه‌های علمی پزشکی، حقوق، فقه، فلسفه، اخلاق، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی است که به شناسایی و معرفی ابعاد مختلف این موضوع پرداخته است.

- کتاب «سقط جنین از منظر اخلاقی»، نگارش علیرضا آل بویه از انتشارات سمت نیز ضمن بررسی استدلال‌های موافقان و مخالفان (نظیر جمله استدلال ذات نوعی، استدلال از طریق بالقوگی و استدلال استمرار وجودی، شخص نبودن و در نتیجه، شأن و منزلت اخلاقی نداشتن جنین) سعی شده است بر اساس الهیات اخلاقی قرآن، استدلال‌های جدیدی بر نادرستی سقط جنین از منظر اخلاقی با توجه به جایگاه انسان در هستی و هدیه بودن جنین از سوی خدا عرضه شود.

- مقاله «جدال حیات؛ بررسی اجمالی تئوری‌های سقط جنین»، نوشته محمد راسخ، در شماره ۳۸ فصلنامه تحقیقات حقوقی، در سال ۱۳۸۲، به استدلال‌های گوناگون له و علیه سقط جنین از منظر فیلسوفان مختلف پرداخته که یکی از آنها، استدلال آزادی اراده از سوی برخی از فیلسوفان فمینیستی است.

- در مقاله «رهیافت‌های اخلاقی به مسئله سقط جنین» به قلم حسن اسلامی در شماره ۲۴ فصلنامه باروری و ناباروری، در سال ۱۳۸۴، با چهار رهیافت

محافظه‌کارانه، آزادی خواهانه، اعتدالی و فمینیستی، به مسئله سقط جنین پرداخته است.

- مقاله «بررسی و نقد دیدگاه جودیت جارویث تامسون در دفاع از سقط جنین» از مجید مایوسی در شماره ۴۲ فصلنامه پژوهش‌های فلسفی کلامی در سال ۱۳۸۸، تنها به استدلال حق زن بر کنترل بدن خویش از خانم تامسون پرداخته و آن را نقد می‌کند.

در پیشینه آثار بررسی شده، خلأ پژوهشی جامع درباره استدلال آزادی جنسی و مبانی آن که منجر به جواز اخلاقی سقط جنین از منظر فمینیست‌های رادیکال شده، وجود دارد که مقاله حاضر درصدد تبیین این استدلال و پاسخ به آن است.

۲. آزادی جنسی و حق زنان برای سقط جنین

برخی از فمینیست‌های رادیکال موج دوم، نظیر آن اوکلی، کیت میل، سیمون دوبوار و مری دیلی، با شعار «زنان، تحت ستم و تبعیض جنسی هستند»، برای آزادی زنان از ستم‌هایی که به دلیل جنسیت‌شان^۱ بر آنها وارد شده، تلاش کردند. آنان مدعی بودند یکی از مهم‌ترین مظاهر آزادی زنان، آزادی در روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده است که همواره برای مردان فراهم بوده است، ولی جامعه مردسالار، آن را برای جنسیت مونث قبیح می‌داند. این گروه از فمینیست‌های رادیکال معتقدند زنان باید به نوعی آگاهی نسبت به رابطه میان مسائل جنسی و حوزه‌های دیگر آزادی نظیر آزادی سقط جنین دست پیدا کنند. (همان، ص ۱۷۳)

در این راستا، فمینیست‌های رادیکال مدعی شدند زنان حق دارند همانند مردان، از روابط آزاد جنسی به هر شکل که می‌پسندند، لذت ببرند. از طرف دیگر، زنان حق دارند پیامدهای احتمالی چنین روابطی (نظیر بارداری) را مخفی نگه دارند. به اعتقاد آنان، بارداری در اثر

۱. فمینیست‌ها، بین جنس و جنسیت تفاوت قائل می‌شوند. واژه sex برای اشاره به جنس و واژه gender برای اشاره به جنسیت به کار می‌رود. مراد از جنس، آن دسته از ویژگی‌های زنانه است که منشأ زیستی دارند مانند بارداری و زایمان. منظور از جنسیت نیز ویژگی‌ها و رفتارهایی هستند که خانواده، اجتماع و فرهنگ به نام صفات زنانه ساخته‌اند و به زنان تحمیل می‌کنند. مارگارت مید در کتاب خود با عنوان «جنس و خلق و خو در سه جامعه اولیه» بیان می‌کند که جنس، منشأ زیست‌شناختی دارد، اما رفتار جنسیتی، ساخته جامعه است. (ر.ک: هام و گمبل، ۱۳۸۲، ص ۱۸۱-۱۸۳ و ۳۹۸)

روابط جنسی آزاد، بخشی از حریم خصوصی زنان است و هیچ‌کس حق دخالت و تصمیم‌گیری درباره حریم خصوصی دیگران را ندارد. به همین دلیل، سقط جنین باید آزاد و تنها به انتخاب و خواست زن بستگی داشته باشد. آنان برای اثبات مدعای خود، به مقدمات زیر متوسل شده‌اند:

الف) زنان در طول تاریخ، به دلیل جنسیتشان تحت ستم بوده‌اند.

از مظاهر ستم جنسی بر زنان عبارت است از:

- محدود کردن میل جنسی زن به چارچوب خانواده برخلاف مردان. این امر به دلیل اهمیت ندادن به میل جنسی زنان در روابط جنسی است.

- تسلط همه‌جانبه مردان بر امور مخصوص زنان نظیر بارداری یا سقط جنین.

ب) بنابراین، زنان نیازمند آزادی به معنای رهایی از نظارت، اجبار و ستم‌هایی هستند که از سوی مردان یا جامعه مردسالار بر آنان تحمیل می‌شود. آنان خواستار حق انتخاب آزادانه در امور خصوصی‌شان نظیر بارداری و سقط جنین هستند.

در ادامه به بررسی این ادعا و مؤلفه‌های آن پرداخته می‌شود.

۳. اهمیت به میل جنسی زنان به‌عنوان حق اخلاقی در روابط جنسی

فمینیست‌های رادیکال موج دوم معتقدند از نظر اخلاقی، هرکس آزاد است و حق دارد در روابطی شرکت کند که از آن لذت می‌برد. این طیف از فمینیست‌ها مدعی‌اند زنان تنها در صورتی به آزادی کامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی با مردان می‌رسند که همه چیز، حتی رابطه جنسی میان زن و مرد، شکلی کاملاً آزادانه پیدا کند و تا زمانی که میل جنسی زن، تابع میل جنسی مرد در خانواده باشد، چنین امری تحقق نمی‌یابد (رزماری، ۱۳۸۷، ص ۱۷۹-۱۸۰). بسیاری از فمینیست‌های رادیکال، میل جنسی را یکی از موضوعات مهم فمینیسم می‌دانند. به عقیده این گروه از فمینیست‌ها، زنان حق دارند نوعی از روابط جنسی را تجربه کنند که به آن میل دارند و از آن لذت می‌برند.

مری دیلی در کتاب لذت ناب بیان می‌کند: شهوت بد است تنها به این دلیل که ما در

جامعه‌ای مردسالار با حاکمیت اخلاق بردگی به سر می‌بریم. از منظر او، شهوت، معنای مثبتی هم دارد؛ معنایی غیر مردسالارانه همچون بستر و راز زندگی، تمنای شدید، شور و شوق، عشق و حال و... او معتقد است زن شهوت‌جو در هر لحظه، در جنب و جوش است، او زنی سرکش است که از خانگی شدن و برده شدن به دست شوهر رها شده است. (همان، ص ۱۷۷)

برخی از فمینیست‌های رادیکال معتقدند کتب مقدس، به ستم جنسی بر زنان دامن زده و به مردان اجازه دخالت در امور خصوصی زنان را داده است.^۱ به اعتقاد آنان، دیدگاه الهیاتی این کتب، به مردان آموخته است که آنان جنس برترند و باید بر زنان تسلط داشته باشند و آزادی آنها را کنترل کنند. به اعتقاد وی، در الهیات مقدس، به زنان اجازه سقط جنین داده نشده است تا آنان از نتایج احتمالی رابطه نامشروع جنسی فرار نکنند و تحت کنترل و نظارت پدران یا همسرانشان و در چارچوب خانواده باشند. (Whitbeck, 2004, p44)

به گفته شولامیث فایرستون در کتاب دیالکتیک جنس، زنان همواره مورد بهره‌کشی جنسی مردان قرار گرفته‌اند و روابط جنسی و فرزندزایی در خانواده، سلطه مردان بر زنان را تقویت می‌کند (Fireston, 1970, p83). بنابراین، رادیکال فمینیست‌ها معتقدند زنان وقتی به آزادی کامل دست می‌یابند که بر امور خصوصی خودشان تسلط داشته باشند. به عبارت دیگر نحوه ارضای میل جنسی و روابط جنسی آنان کاملاً آزادانه (نه در چارچوب خانواده) بوده و سقط کردن جنین آنها یا نگهداری آن، فقط به اختیار خودشان باشد. آنان از انقلاب جنسی به عنوان راهکاری برای رسیدن به آزادی زنان در این عرصه، طرفداری و دفاع کرده‌اند.

۴. لزوم انقلاب جنسی برای رفع سلطه جنسی

به اعتقاد رادیکال فمینیست‌ها، از آنجایی که در جامعه تبعیض جنسیتی، مردان همواره به دنبال تملک زنان بوده و از راه‌های مختلف برای تصاحب جنسی آنان تلاش می‌کنند، زنان برای رهایی از مردسالاری، به تحولات عظیمی در بینش‌ها و قوانین نیاز داشته و باید به یک انقلاب جنسی در روابط زناشویی روی آورند. (Markowitz, 1998, p387)

۱. رک: کتاب مقدس تورات، سفر تثنیه/ ۲۲، آیه ۲-۲۲، ص ۲۴۱. و سفر پیدایش/ ۱۹، آیه ۶-۹، ص ۱۹.

برخی از فمینیست‌های رادیکال معتقدند در بیشتر جوامع، امیال جنسی زنان، معمولاً ناپهنجار تلقی می‌شود یا کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و ارضای تمایلات جنسی، بیشتر با معیارهای مردانه سنجیده می‌شود (بستان، ۱۳۸۵، ص ۶۹). به اعتقاد آنان، مردان کنترل تمایلات جنسی زنان را در اختیار دارند و آنها را به استثمار کشیده‌اند. بنابراین، برای رهایی زنان از ستم مردان باید این اندیشه را رواج داد که آمیزش جنسی فقط یک احساس جنسی لذت‌بخش است، بدون هرگونه معنای نمادین و قید اخلاقی (گراگلیا، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۱۷). رادیکال‌ها معتقدند هیچ دلیلی وجود ندارد که زنان از لذت بی‌قیدوبندی که مردان از آن بهره‌مندند، محروم باشند (همان، ص ۹۲-۹۳). در واقع، آنان انقلاب جنسی را یک راهکار برای آزادی زنان از یوغ مردسالاری می‌دانند.

آن اوکلی^۱ معتقد است سپردن اختیار روابط جنسی و کنترل باروری به مردان، بدان معناست که نیازهای مردان، بااهمیت‌تر از نیازهای زنان شمرده می‌شود و از زنان انتظار می‌رود موجبات لذت شوهر خود را فراهم آورند، نیازهای جنسی او را تمکین کنند، برای او بچه بیاورند و بزرگ کنند (ابوت و کالر، ۱۳۸۰، ص ۱۲۰). به اعتقاد او، نیازهای جنسی زن، در خانواده نادیده گرفته شده و کنترل و محدود می‌شود؛ بنابراین برای پایان دادن به این‌گونه ستم‌ها بر زنان باید به یک انقلاب جنسی روی آورد.

کیت میل^۲ معتقد بود برای پایان دادن به ستم و تبعیض جنسی علیه زنان باید به یک انقلاب جنسی به معنای آزادی عمل و انتخاب در روابط جنسی، روی آورد و به تک‌همسری، مادری و پرورش کودکان در نهاد خانواده پایان داد (هیوود، ۱۳۷۹، ص ۳۷۳). او همچنین حق انتخاب سقط جنین را یکی از حقوق جنسی زن می‌دانست (Millett, 1969, p24). به گفته میل، در نظام مردسالار، ازدواج نشان بردگی زن است. زن به دلیل حمایت مالی مرد و قرارگرفتن در محیط امن خانواده، مجبور به ارضای جنسی مرد و اطاعت از وی می‌شود. بنابراین برای فرار از این نوع ستم، به یک انقلاب جنسی نیاز است تا به تسلط مردان بر زنان و امیال و

1. Ann Oakley.

۲. یکی از رهبران فمینیست رادیکال.

خواسته‌های شان پایان دهد. وی پیشنهاد می‌کند به جای ازدواج بهتر است انجمن‌هایی تشکیل شود که هرکس بتواند آزادانه در این محافل، نیاز جنسی خود را ارضا کند و از احترام اجتماعی نیز برخوردار باشد. (Ibid)

سیمون دوبوار در کتاب جنس دوم مدعی است ریشه ظلم و ستم به زنان، در ارتباط جنسی با مردان است. مردان به زنان همچون بردگانی می‌نگرند که فقط برای تمتع جنسی باید از آنها استفاده کرد. او نیز با شعار انقلاب جنسی، خواستار پایان دادن به تک‌همسری و مادری شد. (دوبوار، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۳۸۳)

گلوریا استینم، از طرفداران همجنس‌گرایی و عضو «سازمان ملی زنان آمریکا»^۱ بیان کرده است: «ما خواستار از بین بردن همه اشکال مردسالاری همچون ازدواج، خانواده و دگرجنس‌خواهی هستیم» (Steinem, 1970, p86). در واقع، او نیز به شدت خواستار تحول در روابط جنسی میان زن و مرد بود.

سرانجام فمینیست‌های رادیکال به منظور رهایی از سلطه جنسی مردان، پیشنهادهایی شامل تغییر نگرش درباره روابط جنسی، بارداری، سقط جنین و همچنین دگرگون ساختن نهاد دگرجنس‌خواهی ارائه کردند. آنان با شعارهایی نظیر: «اول مرا دریا بید»، «صداقت و حقیقت جنسی خودت ارزش بیشتری از آداب و رسوم کاتولیکی دارد»، «شما باید نیازهای خودت را مهم بدانی و این را معادل حمایت از آزادی زنان بدانی»، «از خودگذشتگی، فقط یک شعار برای تعدی به زنان است»، «باید اعتماد به نفس داشته باشی و حقوق خودت را در اولویت قرار دهی» و... سعی در ایجاد تغییرات اساسی در نگرش زنان نسبت به مسئله میل جنسی، سقط جنین و خانواده کردند (Bayles, April 1990, p7-8). در واقع آنان در وراء این‌گونه شعارهای نوع‌دوستی و توجه به خویشتن، به توجیه لذت‌پروری و آزادی روابط جنسی پرداختند.

بدین‌سان، فمینیست‌های رادیکال برای رهایی زنان از پیامدهای احتمالی روابط آزاد جنسی، آزادی سقط جنین را پیشنهاد و از آن دفاع کردند. به عنوان مثال، مارگارت سنگر^۲،

1. Women's National Organization of America.

۲. او پایه‌گذار سازمان «سرپرستی [انجام وظایف والدینی] برنامه‌ریزی شده» (۱۹۴۲) و رئیس «اتحادیه بین‌المللی سازمان پلانید پرنه هود» (۱۹۴۸) است.

یکی از فعالان مدرن در زمینه حق سقط جنین، مدعی شد وظیفه ما «ترویج ارضای جنسی بی‌حدومرز، بدون ایجاد کودکان ناخواسته» است. (Drogin, 1989)

رادیكال فمینیست‌ها، برای حل مشکل تعارض اخلاقی میان حقوق آزادی بخشی زنان و حق حیات جنین (اخلاقی نشان دادن جواز سقط جنین)، تلاش‌های بسیاری کردند. از جمله راهکارهای آنان برای اثبات آزادی سقط جنین، اثبات حق دیگری به نام حق خلوت برای زنان است.

۵. جواز سقط جنین به عنوان حق اخلاقی زن برای حفظ خلوت و حریم خصوصی

فمینیست‌های رادیكال ادعا کردند زنان حق آزادی شخصی در امور خصوصی خود را دارند و به موجب آن، حق دارند حریم خصوصی‌شان مورد تعرض دیگران (همسر، والدین و دولت) قرار نگیرد. از دیدگاه آنان، سقط جنین یک مسئله مربوط به حریم خصوصی زنان است و هیچ‌کس حق دخالت در حریم خصوصی دیگران را ندارد.

حفظ حریم خصوصی یا حق خلوت (The Right to Privacy)، به معنای لزوم محرمانه بودن اطلاعات خصوصی و شخصی افراد است. حق خلوت، معمولاً به معنای حق خودمختاری شخصی یا حق انتخاب نیز معنای می‌شود و مراد از آن، این است که هر شخصی حق آزادی فردی در امور خصوصی و مربوط به خود را دارد. مطابق این حق، حریم خصوصی اعتقادی، حریم خصوصی زندگی زناشویی و حریم خصوصی اطلاعات شخصی افراد^۱ باید به رسمیت شناخته شده و مورد تعرض دیگران قرار نگیرد (Sharp, 2013). دولت‌ها نیز نباید قانونی را تصویب کنند که مصونیت شهروندان را کاهش دهد و دخالت در آزادی‌های فردی آنان محسوب شود.

معمولاً مراد فمینیست‌ها از حفظ حریم خصوصی یا حق خلوت، مورد تعرض قرار نگرفتن انتخاب زنان در امور مربوط به خانواده، ازدواج، مادر، تولد و پرورش کودک است. گریسولد^۲ در سال ۱۹۶۵، دیوان عالی کنتیکت (شمال شرق ایالات متحده) را متقاعد کرد که قانون باید

۱. مانند قانون ثبت و انتقال اطلاعات سلامت (HIPAA) که از اطلاعات بهداشتی شخصی افراد محافظت می‌کند و کمیسیون تجارت فدرال (FTC) که حق برخورداری از حریم خصوصی در سیاست‌های مربوط به تجارت را اعمال می‌کند.

۲. (Griswold). گریس‌ولد حق انتخاب سقط جنین را برای زنان، به دلیل مشکلات آنان در امور خصوصی‌شان نظیر بارداری‌های ناخواسته و بیماری‌های جنسی لازم دانست. او در دفاع از جواز سقط جنین، آن را یک مسئله مربوط به حریم خصوصی زنان دانست و بیان کرد: دیگران حق دخالت در حریم خصوصی زن را ندارند.

«حریم خصوصی» افراد را در ازدواج^۱ و رفع ممنوعیت‌های ضد بارداری (آزادی سقط جنین) حفظ کند (Ibid). با تلاش‌های گریس ولد، سقط جنین دیگر یک امر غیر اخلاقی قلمداد نشده و رسماً قانونی به شمار می‌رود. وی استدلال کرد که برای رفع مشکلات زندگی خصوصی زنان، ابتدا باید سقط جنین برای آنان آزاد شود. در واقع، او سقط جنین را مسئله‌ای مربوط به حریم خصوصی زنان معرفی کرد.^۲

در پرونده بحث‌برانگیز رو علیه وید^۳ در سال ۱۹۷۲ نیز دیوان عالی ایالات متحده، رأی دادگاه تگزاس را مبنی بر عدم جواز سقط جنین برای خانم رو، نوعی دخالت در حریم خصوصی افراد و حقوق فردی آنان دانست و بیان کرد دادگاه باید بیطرفی خود را حفظ کند و عقیده خود را بر افراد تحمیل نکند؛ زیرا افراد حق دارند درباره حریم خصوصی خود، آزادانه تصمیم بگیرند. (Roe v. Wade and the Right to Privacy, 2003, p 5-9)

بدین‌سان، همانگونه که گذشت، فمینیست‌های رادیکال با تلفیق دو اصل «حق آزادی جنسی برای زنان» و «حق خلوت» (حفظ حریم خصوصی زنان)، بر آزادی سقط جنین استدلال کردند. این استدلال که از نظر منطقی یک استدلال مرکب است به شکل زیر تحلیل می‌شود: قسمت اول استدلال:

۱. همه آشکال ظلم و ستم علیه زنان باید رفع شود.

۲. کنترل میل جنسی زن در چارچوب خانواده، یکی از آشکال ستم بر زنان است.

نتیجه: کنترل میل جنسی زنان در چارچوب خانواده باید رفع شود. (حق آزادی زنان در

روابط جنسی)

۱. یا روابط جنسی.

2. Griswold v. Connecticut, in: <https://kids.laws.com/griswold-v-connecticut>.

۳. برای مطالعه و تفصیل این پرونده و حکم دیوان، رک: رونالد مانسن، ۱۳۷۴، ص ۱۴۳ (Racheles, 1989). دیوان عالی ایالات متحده پس از بررسی ادعای خانم رو و در نظر گرفتن زمان زیست‌پذیری جنین (زمانی که جنین قادر خواهد بود خارج از رحم به حیات خود ادامه دهد)، جواز سقط جنین را در شش ماه اول صادر کرد و سقط جنین تبدیل به رویه پزشکی رایج در این کشور شد تا حدی که در سال ۱۹۷۷ در آمریکا، بیش از یک میلیون سقط جنین صورت گرفت (Barbara, 1979, p307). و رک: (میرزاده، ۱۳۹۲، ص ۱۲۴-۱۲۵).

قسمت دوم استدلال:

۱. زنان، حق آزادی در روابط جنسی خارج از چارچوب خانواده را دارند.
۲. بارداری حاصل از روابط آزاد جنسی خارج از چارچوب خانواده، جزئی از حریم خصوصی زنان است.
۳. هرکس حق دارد خلوت و حریم خصوصی او مخفی بماند.

نتیجه: زنان حق دارند بارداری حاصل از روابط آزاد جنسی خارج از چارچوب خانواده را مخفی نگه دارند. در واقع آنان مدعی شدند بارداری حاصل از روابط آزاد جنسی، جزء حریم خصوصی زنان است که نباید مورد تعرض و بازجویی از سوی دیگران حتی شوهر قرار بگیرد. قسمت سوم استدلال:

۱. زنان حق دارند بارداری حاصل از روابط آزاد جنسی خارج از چارچوب خانواده را مخفی نگه دارند.
۲. سقط جنین، راهکاری مناسب برای مخفی ماندن روابط آزاد جنسی زنان خارج از چارچوب خانواده است.

نتیجه: زنان حق دارند سقط جنین کنند.

بدین ترتیب، فمینیست‌های رادیکال، جواز سقط جنین را به عنوان یک حق مخصوص زنان به رسمیت شناخته و آن را برای رسیدن زنان به آزادی جنسی لازم دانستند.

۶. بررسی و نقد استدلال‌های فمینیست‌ها از منظر اخلاقی

۶.۱. ناسازگاری آزادی جنسی با امر اخلاقی

وجه تمایز اخلاق یا امر اخلاقی از دیگر امور هنجاری، آن است که امر اخلاقی، همواره بیانگر امور ماهوی خوب، موجد فضیلت، مطلوب بالذات و فراگیر است. در مقابل، وجه ممیز حق از دیگر امور هنجاری آن است که حق، بیانگر امور آلی، مؤخر بر فضیلت، بی‌طرف، اخلاق‌گریز و غیر فراگیر است. مهم‌ترین نکته آن است که حق بر ظرف و زمینه‌ای دلالت می‌کند که درون آن می‌توان، به تشخیص صاحب حق، مظلوف و محتوای اخلاقی

گونگون و متضاد جای داد. بر این اساس، امر اخلاقی، همواره تجلیگاه يك امر «خوب» یا امر خیر است؛ حال آنکه حق با هر دو محتوای خوب و بد قابل جمع است. به دیگر سخن، حق یک امر «اخلاق‌گریز» (و نه اخلاق‌ستیز) است. از این رو می‌توان گفت از نظر منطقی، جمع امر اخلاقی و حق ممکن نیست. توضیح آنکه، اعمال حق، در بردارنده يك گزینه ضد اخلاقی است و کاملاً ممکن است؛ چنان‌که در عالم واقع نیز مکرر اتفاق افتاده که صاحب حق، با اعمال حق، عملی ضد اخلاقی مرتکب می‌شود (مثلاً مردی همسر خود را بی دلیل طلاق می‌دهد یا فردی مال خود را برای التذاذهای ضد اخلاقی یا در پشتیبانی از تروریسم یا زورگویان به کار می‌گیرد). در واقع، امر اخلاقی همواره واجد محتوای خوب است، حال آنکه حق، گاه با محتوای بد همراه است؛ یعنی عمل برآمده از حق ممکن است عملی ضد اخلاقی باشد. (راسخ و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۳۷-۳۸)

بنابراین حتی اگر آزادی جنسی، یک حق برای زنان تلقی یا اثبات شود، باز هم نمی‌تواند یک امر اخلاقی باشد.

از طرف دیگر، برای آنکه یک امر، اخلاقی تلقی شود و به‌عنوان امر هنجاری قابل دفاع و پذیرفتنی باشد، باید حداقل سه ویژگی مشترك میان همه امور هنجاری را دارا باشد: «عقل‌بنیاد»، «جهان‌شمول» و «کرامت‌مدار» باشد (همان، ص ۳۷). بنابراین، ادعاهای اخلاقی یا حق‌مدار که ناقض این ویژگی‌های بنیادین هستند، به آسانی قابل رد و انکارند. از این رو، استدلال فمینیست‌های رادیکال مبنی بر اخلاقی‌بودن روابط آزاد جنسی، به‌عنوان حق آزادی و برابری برای زنان، نادرست بوده و فاقد ویژگی‌های سه‌گانه ذکر شده است. به عبارت دیگر، آزادی روابط جنسی برای زنان نمی‌تواند عقل‌بنیاد و کرامت‌مدار باشد و به‌عنوان یک امر جهان‌شمول تجویز شود. در ادامه، دلیل این مطلب، بیشتر تحلیل خواهد شد.

۱,۱,۶. نابودی نهاد خانواده و افزایش آسیب‌های اجتماعی

فروپاشی خانواده‌ها، یکی از نتایج آزادی جنسی است. آزادی جنسی، بیشتر به رویاهای جنسی و تجاوزکارانه مردها تحقق بخشیده تا اینکه راه‌رهای زنان از ستم مردان را فراهم

کرده باشد. برخی از فیلسوفان خانواده‌گرا معتقدند مردان با دسترسی آسان به زنانی که مخالفتی با رابطه جنسی قبل از ازدواج ندارند، انگیزه خود را برای پذیرش تقاضای زنانی که رابطه جنسی را بهای ازدواج می‌دانند، از دست داده‌اند (Akerlof & Yellen & Katz, 1996, p227-). مردان جوانی که می‌توانند بدون ازدواج، از رابطه جنسی برخوردار باشند، یا ازدواج را به تأخیر انداخته یا به طور کلی از آن منصرف می‌شوند؛ زیرا همان‌گونه که قرارگرفتن در خانواده و پذیرش نقش همسری و مادری برای زنان دردسرساز است، پذیرش همسری و نقش پدری نیز برای مردان مسئولیت‌آور است. در نتیجه، با رواج آزادی جنسی، ابتدا شاهد فروپاشی خانواده خواهیم بود و این امر موجب افزایش آسیب‌های اجتماعی نظیر مصرف مواد مخدر، افت تحصیلی و افزایش جرم و جنایت می‌گردد (صادقی، ۱۳۸۶، ص ۲۴۲). در مناطقی که آزادی جنسی رواج دارد، بیشتر نوجوانانی که در امور جنسی فعالند، دچار سوء استفاده مواد مخدر، افسردگی و سطح پایین تحصیلات هستند^۱. آمریکا از جمله کشورهایی است که آزادی جنسی در آن ترویج و حمایت می‌شود. بنابر آمار مرکز کنترل و پیشگیری بیماری‌ها در آمریکا، در سال ۲۰۰۷، ۳۵٪ از دانش‌آموزان آمریکایی، روابط جنسی رایج و فعالی داشتند و ۴۸٪ آنها، حداقل یک بار روابط جنسی را تجربه کرده‌اند^۲. آکادمی طب کودکان آمریکایی، رفتارهای جنسی نوجوانان را مشکل اصلی سلامت عمومی در آمریکا شناخته است^۳. بیماری‌های عفونی جنسی و گسترش ویروس ایدز، افزایش طلاق، حاملگی نوجوانان، تنهایی و انزوا و افزایش تجاوز جنسی، از ثمرات این نوع ارتباطات است. (هاجری، ۱۳۸۲، ص ۵۹)

تقریباً از هر چهار رابطه جنسی بین نوجوانان آمریکایی، یکی از آنها منجر به بیماری مقاربتی و ایدز می‌شود.^۴

تقریباً نیمی از افرادی که به بیماری مقاربتی دچار می‌شوند، در گروه سنی ۱۵ تا ۲۴ سال قرار دارند. در آمریکای امروز، نزدیک به ۵۰ درصد از دانش‌آموزان دبیرستانی، سکس را تجربه

1. Sexually Active Teens, in: <https://www.childtrends.org>
2. Sexual behavior of schools, in: <http://www.scielo.br>
3. Sexuality, Contraception, in: <http://pediatrics.aappublications.org>
4. U.S. Teen Sexual Activity, 2005 & Sexual Risk Behaviors: HIV, STD, & Teen Pregnancy Prevention.

کرده‌اند و یک نفر از هر ۴ دختر نوجوان آمریکایی، حداقل به یک بیماری مقاربتی دچار است. بر اساس اعلام مرکز تحقیقی پیو، هم‌اکنون تنها ۵۱ درصد آمریکایی‌های بالای ۱۸ سال متأهل هستند، در حالی که در سال ۱۹۶۰ این آمار حدود ۷۲ درصد بوده است. بر اساس گزارش مرکز مواد مخدر و جنایت سازمان ملل، از سال ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۰، آمریکا پس از آفریقای جنوبی، بالاترین تعداد تجاوز جنسی را دارا بوده است. در این کشور، در سال ۲۰۱۲، بیش از ۵۰ درصد زایمان‌های زنان زیر ۳۰ سال، حاصل ازدواج نبوده است. از هر ۶ زن آمریکایی، یک نفر، تجاوز جنسی کامل را تجربه کرده است. ۳۴ درصد از سقط جنین‌ها، در سنین ۲۰ تا ۲۴ سالگی، یعنی بهترین دوران برای زادآوری انجام می‌گیرد و سالانه بیش از یک میلیون سقط جنین در آمریکا روی می‌دهد. (برای مطالعه بیشتر: رک: آریل، تیم، ۱۳۸۹، ص ۱۸۶-۱۸۷، ۱۹۰ و ۲۲۹) همچنین میزان بارداری نوجوانان در آمریکا، دو تا چهار برابر کشورهای پیشرفته مشابه است.^۱ بحث‌ها و مناقشات فراوانی برای یافتن علت بالابودن میزان بارداری و رفتارهای جنسی نوجوانان آمریکایی صورت گرفته است. برخی از تحقیقات نشان می‌دهد که ارتباط مستقیمی بین تماشای رفتارهای جنسی توسط نوجوانان و میزان فعالیت‌های جنسی آنان وجود دارد.^۲ ۷۹ درصد مزاحمت‌های جنسی، در مدارس ایالت متحده است. بیشتر دختران ده تا دوازده ساله، مزاحمت جنسی را در مدرسه تجربه کرده‌اند و هر سال، بین ۲۴۴ تا ۳۲۵ هزار کودک و نوجوان آمریکایی، در معرض خطر استثمار جنسی هستند (لوی و کسر، ۱۳۸۹، ص ۷۷-۷۸، ۱۲۴-۱۲۶، ۱۸۶-۱۸۷، ۱۹۰ و ۲۲۹). بیش از یک ششم زنان آمریکایی، تجربه مورد تجاوز قرارگرفتن را از سن ۱۶ سالگی ذکر می‌کنند و ۲۸ درصد از زنان بیان کرده‌اند چندین سوء استفاده جنسی را تجربه کرده‌اند. به گزارش جمعیت سازمان ملل متحد، تنها ۵٪ متجاوزان جنسی در آمریکا، حداقل یک روز را در زندان می‌گذرانند.^۳

این آمار بیانگر آن است که آزادی روابط جنسی میان زن و مرد و ارزش بیش از اندازه قائل شدن برای آن در جامعه، آثار مخربی داشته و در صورتی که تمایل جنسی، یک طرفه باشد

1. A League Table of Teenage Births in Rich Nations, in: <https://www.unicef-irc.org/publications>.

2. Media «influence» adolescent sex, in: <https://www.theguardian.com/media/2006>.

3. Homicides, Firearm Offences and Intimate Violence 2006, in: <http://webarchive.nationalarchives.gov.uk>.

و زن علاقه‌ای به ایجاد رابطه نداشته باشد، به شعله‌ور ساختن میل جنسی در مردان و در نهایت، به خشونت و آزار جنسی علیه زنان می‌انجامد (لوی و کسر، ۱۳۸۹، ص ۷۷-۷۸ و ۱۲۴-۱۲۶). دایانا اسکالی^۱ در پژوهشی با عنوان درک خشونت جنسی که برای موسسه ملی بهداشت روانی ایالات متحده انجام گرفت، بیان می‌کند: در جوامعی که به اشکال مختلف، آزادی‌های جنسی تبلیغ می‌گردد و از آن حمایت فرهنگی-اجتماعی می‌شود، نباید انتظار احترام گذاشتن به زنان و ارزش قائل شدن برای آنان به عنوان یک انسان را داشت، بلکه باید از مردانی که زنان را اشیاء جنسی خود نمی‌بینند و از آنان برای لذت بردن و رسیدن به آرزوهای شان استفاده نمی‌کنند و دست به تجاوز نمی‌زنند، پرسید چرا از آزادی خود بهره نمی‌برند و تجاوز نمی‌کنند؟ (سومرز، ۱۳۸۷، ج ۵، ص ۵۲)

در واقع، نگاه جنسیتی به زن، نوعی اهانت و خیانت به کرامت انسانی اوست و مقام انسانی‌اش را تا حد یک شیء یا کالای جنسی تنزل می‌دهد (تانگ، ۱۳۸۷، ص ۲۲۵)؛ زیرا آزادی جنسی و رواج افکار جنسی، منجر به این امر می‌شود که اولاً مردان، تنوع طلب شده و زنان خود را کمتر جذاب بدانند و رضایت جنسی کمتری از جذابیت همسرشان داشته باشند (لوی و کسر، ۱۳۸۹، ص ۱۱۴-۱۱۶). ثانیاً این امر می‌تواند به افزایش رقابت میان افراد برای رسیدن به معشوقه جنسی مورد نظر و در نتیجه، افزایش خشونت یا تجاوز نسبت به زنان بینجامد. بنابراین، آزادی جنسی نمی‌تواند یک امر «عقل بنیاد» باشد و «جهان شمولی» خود را حفظ کند.

هدف فمینیست‌های رادیکال، رسیدن به آزادی جنسی و رهایی از قید خانواده (همسر و کودکان) بود تا زنان در جامعه به آزادی برسند. حال باید پرسید آیا با وجود چنین پیامدهایی، زنان به آزادی مطلوب خود خواهند رسید؟ اصولاً بدون ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی، جامعه‌ای وجود نخواهد داشت. برای انسجام و همبستگی چنین جامعه‌ای، چه باید کرد؟

۶،۱،۲. احساس عدم امنیت روانی و پدید آمدن انتظارات غیر واقعی برای خوشبختی

برخی از فمینیست‌های رادیکال نظیر مری دیلی و کیت میلر مدعی بودند آمیزش جنسی، فقط یک احساس جنسی لذت‌بخش است، بدون هرگونه معنای نمادین و قید اخلاقی. به

1. Diana Scally.

همین دلیل، آنان از آزادی جنسی به عنوان یکی از لوازم آزادی فردی حمایت می‌کردند. آزادی فردی، درجایی که به اعمال غیر اخلاقی بینجامد، پسندیده نیست و نمی‌تواند یک حق یا هدف مهم تلقی شود. به گفته هیولیت سیلویا آن^۱، در طول سی سال گذشته، افراد به زندگی بسیار آزاد خو کرده‌اند؛ زندگی‌ای که فرد، خود را از محدودیت‌های اخلاقی و مذهبی در مسائل جنسی رهانیده و مجموعه‌ای از آزادی‌های جنسی و رهایی از قیدهای مذهبی را اختیار کرده است. او معتقد است تفاوت چشمگیری میان عشق و میل جنسی برخاسته از هوا و هوس است. عشق، میوه روح است و اعمال غیر اخلاقی به آن آسیب می‌زند، عشق پایدار میان زن و شوهر، که لازمه زندگی مشترک خانوادگی است، در کوچه و خیابان به راحتی پیدا نمی‌شود. (آن هیولت و کورنل، ۱۳۸۹، ص ۶۶-۷۰)

رابطه جنسی آزاد، مهم‌تر از مصلحت‌های زندگی انسانی نیست. در رابطه آزاد میان زن و مرد، از عشق و تعهد درازمدت خبری نیست. افراد صرفاً برای لذت جویی، مدتی کنار هم خواهند بود و تعهدی در برابر یکدیگر در زمان سختی و بیماری ندارند، درحالی‌که هیچ زن و مردی، بدون عشق و تعهد درازمدت به یکدیگر نمی‌توانند زندگی پایدار و هدف‌مندی را بسازند و ادامه دهند (Wolf-Devine, 1998, p 421). تنها در چنین روابط پایداری می‌توان به آرامش روحی رسید و در مشکلات و پیشامدهای ناگوار، تکیه‌گاه یکدیگر بود.

از طرفی، آزادی روابط جنسی، به تغییر مداوم شریک جنسی منجر می‌گردد و این امر، احساس عدم امنیت روانی را در فرد ایجاد کرده و نوعی تشنگی آراء به‌ویژه برای زنان در پی خواهد داشت؛ زیرا دل‌بستن‌ها و دل‌گسستن‌های مکرر نمی‌تواند آرامش پایدار و امنیت روحی به ارمغان بیاورد و پاسخگوی نیازهای روحی انسان باشد.^۲ (لوی و کسر، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵-۱۰۸)

به گفته سیدمن^۳ استاد دانشگاه کالیفرنیا، آزادی جنسی، یکی از مهم‌ترین علت‌های

1. Hewlett Sylvia Ann.

۲. نویسندگان کتاب تأثیر فمینیسم بر دختران در غرب، نتایج پنج تحقیق مهم را درباره تأثیر آزادی جنسی بر بیماری‌های روحی زنان چنین اعلام کرده‌اند: آزادی جنسی زنان و ترویج دیدگاه جنسی پیدا کردن درباره خود، به عزت نفس پایین زنان، وسواس فکری، افسردگی یا وضعیت روان‌پریشی آنان می‌انجامد و سلامت جسمی و روحی آنان را به مخاطره می‌اندازد.

3. Seidman.

اختلالات شخصیتی و بیماریهای روحی است؛ زیرا گسترش آزادی‌های جنسی، تعهد پایدار و عشق درازمدت میان زن و مرد را از بین می‌برد. تنوع جنسی، انتظارات غیر واقعی از شریک جنسی را برای خوشبختی در فرد به وجود می‌آورد (Seidman, 2002, p35)، درحالی‌که برقراری روابط پایدار و متعهدانه، که لازمه زندگی مشترک میان زن و مرد است، بر اساس تعهد طرفینی و نه لذت‌های آنی، شکل می‌گیرد. وابستگی طولانی‌مدت به شریک زندگی و همراهی زوجین با یکدیگر در غم و شادی، سلامتی و بیماری و شکست و موفقیت، یکی از نیازهای اساسی روح انسانی است و بدون آن، افراد دچار اختلالات شخصیتی، افسردگی و بیماری‌های روحی می‌گردند. (ibid)

باید به این نکته مهم توجه کرد که عشق و شهوت جنسی، هم از لحاظ کیفیت و هم از لحاظ هدف، با یکدیگر تفاوت اساسی دارند. عشق، چیزی بالاتر از میل به روابط جنسی است و به راحتی میان افراد یافت نمی‌شود. عشق از لحاظ آثار روانی، اجتماعی و تحولاتی که در فرد ایجاد می‌کند و باعث خلق آثار بزرگ هنری، ذوقی و اجتماعی می‌شود، با یک شهوت ساده انسانی که هدفش ارضاء خودخواهی انسان است، تفاوت بسیار دارد. در عشق میان زن و شوهر و سپس محبت میان والدین و فرزندان، فرد از خودخواهی بیرون می‌رود و به رشد و تعالی انسانی می‌رسد. عشق پایدار جز در سایه وفاداری زوجین به یکدیگر و شکل‌گرفتن احساسات عالی‌ه انسانی در قالب خانواده و محبت به همسر و فرزندان پدید نمی‌آید. (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۸۲-۸۹)

بنابراین آنچه جهان شمول، عقل بنیاد و کرامت‌مدار است، رحمت، مودت و وفاداری میان زوجین است نه صرفاً ارضای امیال جنسی، که پس از مدتی فروکش می‌کند. روابط غیر پایدار و غیر متعهدانه، که هدفش ارضای خودخواهی و غرایز و امیال انسان است، بیشتر موجب خسارت زنان خواهد بود.

قرآن کریم در این رابطه فرموده است: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ و یکی از نشانه‌های خداوند این است که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا بدان‌ها آرامش گیرید و بین شما مودت و رأفت قرار داد﴾ (روم: ۲۱).

رحمت و مودت، تفاوتی ماهوی با اشباع غرایز جنسی دارد و عواطف صمیمانه میان زن و مرد، که تا آخرین روزهای پیری (و زمانی که غریزه جنسی فعالیتت ندارد)، ادامه می‌یابد و نشانه وفاداری زوجین به یکدیگر و امنیت حاصل از این اعتماد است.

۶.۲. ناسازگاری حق سقط جنین با مبانی اخلاقی اسلام

سقط عامدانه جنین، به دلایل مختلف، با آموزه‌های اسلامی منافات دارد. حرمت این عمل به عنوان آموزه‌ای فقهی، ریشه در مبانی‌ای دارد که با اخلاق اسلامی هم‌ریشه است. اساساً از آنجا که اسلام به عنوان یک دین، متشکل از سه بخش عقاید، اخلاق و احکام است، سه بخش مذکور، در مبانی هستی‌شناسانه، انسان‌شناسانه و معرفت‌شناسانه تمام آموزه‌های برخاسته از آن مؤثر خواهد بود. بنابراین یک امر اگر مورد منع فقهی حقوقی قرار می‌گیرد، از نظر اخلاقی نمی‌تواند تأیید گردد.

از سوی دیگر، احکام دینی به‌ویژه در چارچوب فقه شیعی، مبتنی بر اصل حسن و قبح عقلی و ذاتی است. بنا بر این اصل، حسن و قبح افعال، ذاتی آنهاست و عقل می‌تواند به کلیات آنها دست یابد. از سوی دیگر، احکام دینی مبتنی بر حکمت و مصالح فردی یا جمعی است که تفریق احکام از این مسائل ممکن نخواهد بود. این دو اصل، هر دو پیوستگی احکام با اخلاق را بیان کرده و بر مبانی واقع‌بینانه و نفس‌الامری آموزه‌های دینی صحنه می‌گذارد. استدلال‌های فمینیستی مبتنی بر حق سقط جنین به‌عنوان امری اخلاقی، از ابهام جدی در ناحیه واژه «اخلاق» رنج می‌برد. اخلاقی که فمینیست‌ها از آن دم می‌زنند، اخلاقی دل‌بخواهانه و نسبی است؛ در حالی که این دو قید، با هدف امر اخلاقی، که ایجاد نظم و عدل در انسان و جامعه است، مقابله دارد. اخلاق دل‌بخواهانه، که لذت شخصی، راحتی شخصی و منفعت شخصی را ملاک عمل اخلاقی معرفی می‌کند، مبتنی بر دیدگاه‌های ماتریالیستی به انسان است که انسان را بریده از غیب و ملکوت و آسمان و وحی، به عنوان موجودی صرفاً مادی و محدود با هدف برآورده‌ساختن هرچه بیشتر لذات حیوانی و مادی تعریف می‌کند. اخلاق اسلامی با بنیادهای متفاوت نظری، نه با نگاه محدود مادی‌انگارانه به انسان موافق است و

نه با دیدگاه‌های نسبی‌گرایانه‌ای که هرگونه ثبات و قطعیتی را برای امور اخلاقی نفی می‌نماید. فمینیست‌های رادیکال ادعا کردند زنان حق دارند همانند مردان، از آزادی برخوردار باشند. آنان مصادیق آزادی را در برقراری روابط آزاد جنسی و آزادی سقط جنین برای زنان برشمردند. سوال مهم در این رابطه، منشأ آزادی و مرجع تعیین حدود آزادی افراد در جامعه بشری است. باید اذعان کرد زمانی که فعالیت‌های فرد با فعالیت‌های دیگران، تقابل و تزاخم پیدا کند، این امر منجر به وضع قانون و قرارداد محدودیت‌هایی برای آزادی افراد در جامعه می‌گردد. بنابراین، عقل و فطرت همه انسان‌ها به این امر اعتراف دارد که آزادی اولیه و ابتدایی بشر در جامعه (و بنابر مناسبات اجتماعی او) لاجرم باید مقید و محدود به قانون شود. به علاوه آنچه آزادی را حق مسلم بشر قرار می‌دهد، میل و هوای نفس افراد نیست، بلکه استعدادی است که آفرینش برای سیر مدارج ترقی و کمال به وی داده است. بنابراین، آزادی بشر تا جایی محترم است که با استعدادهای عالی که در نهاد بشر قرار داده شده، هماهنگ باشد و او را به مسیر کمال و ترقی بکشانند. اما آن نوع آزادی که انسان را به فنا و نیستی بکشاند و استعدادهای عالی بشری را نابود کند، نمی‌تواند از احترام برخوردار باشد. در واقع، علاوه بر آزادی و حقوق دیگران، مصالح خود فرد نیز می‌تواند محدودکننده آزادی باشد. (مطهری، ۱۳۸۹، ص ۴۳-۴۶)

از نظر اسلام، کمال و ترقی انسان، رسیدن به توحید و قرب الی الله است. این قرب، زمانی و مکانی نیست، بلکه یک قرب وجودی است. استعدادهای عالی بشر نیز برای پرورش بعد معنوی انسان و رسیدن به چنین کمالی، حائز اهمیت است. بنابراین، انسان‌ها باید علاوه بر توجه به غرایز، به استعدادهای عالی‌تر بشر و ارزش‌های انسانی نیز توجه کنند. اسلام نیز قوانین خود را در راه پرورش این استعدادها و رسیدن به چنین کمالی تنظیم کرده است. به همین دلیل، قوانین اسلام، بر اساس توحید وضع شده و همه اموری که مربوط به انسان است، اعم از امور فردی و اجتماعی، حول محور یکتاپرستی می‌چرخد. بنابراین، آزادی از نظر اسلام به معنی آزادی از غیر خداوند متعال و همه قید و بندهایی است که مانع حرکت تکاملی انسان می‌گردد. گرچه در این مسئله، که همه به دنبال آزادی هستند، فرقی میان مسلمانان و

سایرین نیست، اما تفاوت در نوع مسیر و مقصد است که موجب می‌شود هرکس برای رسیدن به آزادی خاصی تلاش کند. از آنجایی که اسلام، هدف نهایی خلقت انسان را رسیدن به پروردگار متعال و توحید می‌داند، بنابراین انسان باید از همه موانعی که در راه رسیدن به این حرکت تکاملی خلل ایجاد می‌کنند، دوری گزیند. به عبارت دیگر، آزادی از نظر اسلام، آزادی از تمام پستی‌ها، رذالت‌ها، جهالت‌ها و... بوده و تمام دستورات عبادی، اخلاقی و معارف اسلامی در راستای تحقق این نوع آزادی است که منجر به محدودیت سایر آزادی‌های پست بشری نظیر آزادی در ارضای بی‌حد و حصر لذت جنسی و هنجارشکنی‌های اخلاقی و زیر پانهادن ارزش‌های متعالی انسانی در جامعه می‌گردد. (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۱۲-۲۲)

۳,۶. نقد جواز سقط جنین به دلیل حفظ حریم خصوصی زنان

فمینیست‌های رادیکال مدعی بودند از آنجایی که حق تصمیم‌گیری درباره امور شخصی هر فرد به عهده خودش است، بنابراین حق تصمیم‌گیری درباره امور خصوصی زن باردار (نظیر سقط جنین)، باید فقط به او بستگی داشته باشد و دیگران نباید در انتخاب وی دخالت کنند. (Porter, 1994, p7)

در نقد این ادعا باید گفت تصمیم‌گیری درباره موضوعی که می‌تواند حیات یک موجود بی‌گناه انسانی را به خطر بیندازد، یک مسئله شخصی نیست و بی‌توجهی به حق حیات جنین، نوعی خودخواهی و خودپسندی است. درست است که بارداری، بر زندگی زن باردار تأثیرات مهمی می‌گذارد، اما تصمیم‌گیری درباره ادامه بارداری، در واقع به ادامه حیات جنین یا عدم آن ربط دارد. بنابراین تصمیم‌گیری درباره ادامه بارداری یا قطع آن، تنها یک دخالت در حریم خصوصی زن نیست؛ زیرا جنین به طور طبیعی و به عنوان یک موجود نارس و وابسته، نیازمند بدن مادرش شده است. رحم مادر، محل طبیعی تکون و رشد جنین است و حق اولیه هر موجودی، برخوردار از سیر طبیعی حیات است. اینکه حیات جنین موجود وابسته و بی‌گناهی، به تمایلات دیگران (مادرش) بستگی داشته باشد، فروکاستن اخلاق به خودخواهی است. بنابراین تصمیم‌گیری درباره بارداری یا سقط کردن جنین، تنها به حریم

خصوصی زن باردار مربوط نیست؛ زیرا تصمیمی که تأثیر قابل توجهی بر زندگی یا سرنوشت موجود دیگری دارد یا به نابودی آن موجود منجر می شود (خواه آن موجود، وابسته باشد یا مستقل)، نمی تواند تصمیمی درباره حریم خصوصی تلقی شود.

نتیجه گیری

از دیدگاه فمینیست های رادیکال نظیر مری دپلی، کیت میل، آن اوکلی، مارگارت سینگر و... یکی از مهم ترین ادله های اخلاقی بر جواز سقط جنین، تحقق آزادی جنسی به عنوان امری اخلاقی است. آنان مدعی بودند زنان در طول تاریخ، تحت ستم جنسی بوده اند و باید برای رهایی زنان از سلطه و ستم جنسی مردان تلاش کرد. از دیدگاه این طیف از فمینیست ها، رهایی زنان از ستم جنسی، با به رسمیت شناختن حق آزادی جنسی برای آنان به عنوان یک حق اخلاقی میسر می شود و در این راستا باید حق تصمیم گیری درباره ادامه بارداری یا خاتمه دادن به آن (سقط کردن جنین) برای زنان، کاملاً آزاد و به انتخاب آنان باشد.

در نقد این ادعا، به ناسازگاری آزادی جنسی با امر اخلاقی اشاره و بیان شد هر امر اخلاقی باید عقل بنیاد، کرامت مدار و جهان شمول باشد و آزادی جنسی به دلایل پیامدهای مخربی که در جامعه برای زنان دارد، نمی تواند چنین ویژگی هایی داشته باشد؛ بنابراین آزادی جنسی نمی تواند یک حق و امر اخلاقی قلمداد شود.

در بیان ناسازگاری حق سقط جنین با مبانی اخلاقی اسلام، به منشأ و حدود آزادی از منظر عقل و فطرت اشاره و دیدگاه اسلام در این خصوص تبیین شد. آزادی از نظر اسلام، به معنی آزادی حقیقی و معنوی است، آزادی از غیر خداوند متعال و همه قید و بندهایی است که مانع حرکت تکاملی انسان بوده و متناسب امیال عالیه درونی و اهداف عالیه بیرونی است.

در نقد جواز سقط جنین، به دلیل حفظ حریم خصوصی زنان بیان شد تصمیم گیری درباره موضوعی که می تواند حیات یک موجود بی گناه انسانی را به خطر بیندازد، یک مسئله شخصی نیست و بی توجهی به حق حیات جنین، نوعی خودخواهی و خودپسندی است.

فهرست منابع

قرآن کریم

کتاب مقدس (عهد قدیم و جدید) (۲۰۰۲م)، ایلام: انتشارات ایلام.

الف) فارسی

۱. ابوت، پاملا و کلر، والاس (۱۳۸۰ش)، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
۲. بستان (نجفی)، حسین (۱۳۸۵ش)، نابرابری و ستم جنسی از دیدگاه اسلام و فمینیسم، قم: نشر پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۳. بلالی، اسماعیل (۱۳۸۶ش)، «فمینیسم و سقط جنین» در کتاب: مجموعه مقالات فمینیسم و خانواده: صادقی فسایی، سهیلا و دیگران، تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
۴. بیات (مشکات)، عبدالرسول، با همکاری جمعی از نویسندگان، (۱۳۸۱ش)، فرهنگ واژه‌ها: درآمدی بر مکاتب و اندیشه‌های معاصر، قم: موسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
۵. بیسلی، کریس (۱۳۸۵ش)، چیستی فمینیسم، ترجمه: محمدرضا زمردی، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
۶. تانگ، رزماری (۱۳۸۷ش)، درآمدی جامع بر نظریه‌های فمینیستی، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران: نشر نی.
۷. حسینی‌زاده، علی (۱۳۹۳ش)، جنسیت و تربیت از منظر اسلام و فمینیسم لیبرال، قم: نشر پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. دوبوار، سیمون (۱۳۸۲ش)، جنس دوم، ترجمه قاسم صنعوی، تهران: توس.
۹. راسخ، محمد؛ تسخیری، مائده؛ اسکندری، علیرضا و عامری، فائزه (۱۳۹۸ش)، «امر اخلاقی و حق»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، دوره ۲۲، ش ۸۷، پاییز، ص ۱۹-۴۸.
۱۰. مانسن، رونالد (۱۳۷۹ش)، مداخله و تأمل در اخلاق پزشکی، ترجمه: فرامرز چمنی و اصغر ابوترابی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی.
۱۱. زیبایی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۸۲ش)، «ملاحظات»، فمینیسم و دانش‌های فمینیستی، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۲. ساروخانی، باقر (۱۳۷۵ش)، درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.
۱۳. سومرز، کریستینا هوف (۱۳۸۷ش)، خیانت زنان به هم‌نوعان خود (فمینیسم در ترازوی نقد)، ترجمه و تلخیص: پریسا پورعلمداری، قم: نشر نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، دفتر نشر معارف.
۱۴. آن هیولیت، سیلویا و کورنل، وست (۱۳۸۹ش)، جنگ علیه خانواده، ترجمه و تلخیص: معصومه محمدی، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها (دفتر نشر معارف).
۱۵. صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۸۶ش)، «چالش فمینیسم با مادری»، در کتاب: مجموعه مقالات فمینیسم و خانواده: صادقی فسایی، سهیلا و دیگران، تهران: نشر شورای فرهنگی اجتماعی زنان.

۱۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۸ش)، آزادی، ترجمه و تنظیم: علیرضا فراهانی منش، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۷. گراگلیا، کارولین (۱۳۸۵ش)، فمینیسم در آمریکا تا سال ۲۰۰۳ (آرامش در خانه)، ترجمه و تدوین: معصومه محمدی، تهران: دفتر نشر معارف.
۱۸. لوی، آریل و کسر، تیم (۱۳۸۹ش)، تأثیر فمینیسم بر دختران در غرب، ترجمه و تلخیص: فاطمه سادات رضوی، راحله میراسلامی و پریسا پورعلمداری، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها (دفتر نشر معارف).
۱۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹ش)، اخلاق جنسی، تهران: انتشارات صدرا.
۲۰. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۱ش)، از جنبش تا نظریه اجتماعی؛ تاریخ دو قرن فمینیسم، تهران: نشر شیرازه.
۲۱. مهریزی، مهدی (۱۳۷۸ش)، بولتن جامع فمینیسم، تهیه‌کننده: مدیریت مطالعات اسلامی مرکز مطالعات فرهنگی، تهران: انتشارات بین‌المللی هدی.
۲۲. هاجری، عبدالرسول (۱۳۸۲ش)، فمینیسم جهانی و چالش‌های پیش رو، قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان حوزه علمیه قم و بوستان کتاب.
۲۳. هام، مگی و گمبل، سارا (۱۳۸۲ش)، فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، ترجمه: فیروزه مهاجر، فرخ قره‌داغی و نوشین احمدی خراسانی، تهران: نشر توسعه.
۲۴. هیوود، اندرو (۱۳۷۹ش)، درآمدی بر ایدئولوژی‌های سیاسی از لیبرالیسم تا بنیادگرایی دینی، ترجمه: محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

(ب) انگلیسی

1. Barbara, Hayler (desember 1979), "abortion", signs. 5, no. 2.
2. Drogin, Elisah (1989), planned Parenthood's Margaret Sanger: Father of Modern Society, 3rd edition, cul Publications, in: <https://www.Amazon.com/Margaret-Sanger-Father-Modern-Society/dp/B000726N4S>.
3. Markowitz, Sally (2004), "A Feminist Defense of Abortion." in: The abortion controversy, poyman, Louis p. and Beckwith, Francis j. , Wadsworth publishing company.
4. Oxford Advanced Learner's Dictionary of current English, 2003, six edition, Edited by Sally Wehmeier, University Press, as Hornby.
5. Porter, Elisabeth, "Abortion Ethics: Rights and responsibilities". Hypatia, vol:9, no:3.
6. Racheles, James (1989), The Right Thing To Do: Basic Reading in Moral Philosophy, New York, Random House.
7. Seidman, Steven (2002), The Sexualization of Love, New York: Routledge.

8. Steinem, Gloria(2002), Women `s Right, Presented in Women `s Rights Workshop, New York.
9. Whitbeck, Caroline(2004), "Taking women seriously as people ",The moral implications for abortion." in: The abortion controversy, chapter 27, Poyman, Louis p. and Beckwith, Francis j, Wadsworth publishing company, International Thomson publishing company.
10. Wolf-Devine, Celia(1998), "Abortion and the Feminine Voice", in: The abortion controversy, chapter 27, Poyman, Louis p. and Beckwith, Francis j, Wadsworth publishing company, International Thomson publishing company.

ج) پایگاه اطلاع رسانی و منابع الکترونیکی

1. Sexual behavior of school-aged adolescents in the city of Goiânia, Goiás, in: http://www.scielo.br/scielo.php?script=sci_arttext&pid=S1415-790X2014000500172,
2. Sexuality, Contraception, and the Media, in: <http://pediatrics.aappublications.org/content/126/3/576>
3. U.S. Teen Sexual Activity, in: http://enrichmentjournal.ag.org/200604/200604_4USTeenSexActi.pdf , January 2005 & Sexual Risk Behaviors: HIV, STD, & Teen Pregnancy Prevention, in: <https://www.cdc.gov/healthyyouth/sexualbehaviors/>
4. A League Table of Teenage Births in Rich Nations, in: <https://www.unicef-irc.org/publications/328-a-league-table-of-teenage-births-in-rich-nations.html>
5. Media 'influence' adolescent sex, in: <https://www.theguardian.com/media/2006/mar/22/pressandpublishing.broadcasting>
6. Sexually Active Teens, in: <https://www.childtrends.org/about-us/newsroom-page>.